

## عامل‌های تاثیرگذار بر صلاحیت راه‌اندازی کسب و کار دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی مازندران

محمد مهدی مردانشاهی

دکتری کارآفرینی، مرکز کارآفرینی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ایران

### چکیده

افزایش شمار دانش‌آموختگان بی‌کار به ویژه در رشته‌ی کشاورزی و ناتوانی آنان در راه‌اندازی کسب و کار و کارآفرینی به یکی از چالش‌های اساسی کشور تبدیل شده است. این تحقیق با هدف تحلیل عامل‌های مؤثر بر شایستگی راه‌اندازی کسب و کار در دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی شکل گرفت. جامعه‌ی آماری شامل دانش‌آموختگان گرایش‌های کشاورزی و منابع طبیعی استان مازندران در طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ می‌باشند (۲۵۵۰ تن)، که بر پایه فرمول کوکران، ۳۶۴ تن از آنان به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه بود که روایی آن با کسب نظر هیئت علمی تخصصی دانشگاه مازندران و کارشناسان مربوطه و پایایی آن با استفاده از آزمون تتای ترتیبی ( $\theta = 0.912$ ) تأیید شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS<sub>20</sub> استفاده شد. از آزمون‌های همبستگی، من‌ویت‌نی و رگرسیون ترتیبی برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. نتایج سطح بندی میزان شایستگی راه‌اندازی کسب و کار گویای آن بود که حدود ۵۹ درصد از پاسخگویان از شایستگی راه‌اندازی کسب و کار، در سطح زیاد و خیلی زیاد برخوردار بودند. تحلیل رگرسیون ترتیبی نیز نشان داد که سه متغیر جنس، آموزش و ویژگی شخصیتی ۶۷ درصد شایستگی راه‌اندازی کسب و کار را برآورد می‌کند.

نمایه واژگان: شایستگی، راه‌اندازی کسب و کار، دانش‌آموختگان کشاورزی، بی‌کار.

نویسنده‌ی مسئول: محمد مهدی مردانشاهی

رایانامه: Mehdy1352@yahoo.com

دریافت: ۹۶/۱/۲۲ پذیرش: ۹۶/۶/۱۳

## مقدمه

با توسعه آموزش عالی در کشور به ویژه در دو دهه ی گذشته، جمعیت دانش آموختگان مرکزهای آموزش عالی با رشد فزاینده رشد یافته است و با توجه به سیاست های دولت مبنی بر کاهش و تعدیل نیروی انسانی در دستگاه های دولتی، زمینه ای برای جذب دانش آموختگان توسط دولت وجود نداشته و ضرورت دارد راه کارهای بدیلی برای اشتغال دانش آموختگان در شغل ها غیر دولتی فراهم شود (یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۲). بی کاری های فزاینده، دانش آموختگان رشته های مختلف در ایران و روند رو به افزایش آن، تهدیدی برای جامعه به شمار می رود و این امر توجه به کارآفرینی را برای ایجاد اشتغال ضروری نموده است (خالدی و اسکندری، ۱۳۹۴).

از سوی دیگر، به خلاف اهمیت بخش کشاورزی در تامین امنیت غذایی و رفاه اجتماعی و ضرورت توسعه منابع انسانی و کارآمد نمودن این حوزه، نرخ بیکاری دانش آموختگان رشته های کشاورزی بازگوکننده شرایط نگران کننده اشتغال آنان می باشد و به منزله ی آنست که این نیروهای دانش آموخته، امکان و فرصت حضور تاثیرگذار در بخش کشاورزی را پیدا نکرده اند و با روند کنونی نیز به نظر نمی رسد به این زودی این وضعیت بهبود یابد (قربانی پور و همکاران، ۱۳۹۰). در نتیجه با توجه به افزایش بی کاری دانش آموختگان رشته های کشاورزی، هدایت این دانش آموختگان به سمت خوداشتغالی از راه انجام فعالیت های اقتصادی و کسب و کارهای مرتبط کشاورزی در بخش های غیر دولتی امری ضروری است (حجازی و همکاران، ۲۰۰۸؛ به نقل از موحدی، ۱۳۹۴). برای این منظور تقویت رفتار مبتنی بر کارآفرینی مولدان و شاغلان بخش کشاورزی ضرورتی انکارناپذیر است. همان گونه که نتایج پرماند و همکاران (۲۰۱۶)، نشان می دهد، کارآفرینی منجر به افزایش خوداشتغالی می شود (مهدوی درواری و چرمچیان لنگرودی، ۱۳۹۶) و باور بر این است که تأکید بر خوداشتغالی از راه کسب و کارهای کوچک کارآفرینانه یکی از راه حل های مهم در زمینه حل چالش بیکاری دانش آموختگان این بخش می باشد (رسولی و احمدپور داریانی، ۱۳۹۰). بنابر نتایج پژوهش شفيعی و شعبانعلی فمی (۱۳۸۶)، گرچه دانشکده های کشاورزی غیر دولتی در سال های اخیر

گسترش فراوانی یافته اند، لیکن انبوه دانش آموختگان کشاورزی آن ها نتوانسته اند شغل مناسبی بیابند. در واقع گرایش های کشاورزی با توجه به آینده ی شغلی شان یکی از پرچالش ترین رشته های تحصیلی شده است. سالانه ۲۷۰ هزار دانش آموخته دانشگاهی وارد بازار کار می شوند، اما ظرفیت بازار پاسخ گوی این شمار دانش آموخته نیست (آهو خوش و علی بیگی، ۱۳۹۶). حجازی و همکاران (۲۰۰۸) نیز در نتایج بررسی خود نشان دادند که؛ با توجه به رشد بیش از حد دانش آموختگان کشاورزی و افزایش نرخ بیکاری آنان، هدایت دانش آموختگان کشاورزی به سمت خوداشتغالی از طریق فعالیت های اقتصادی و کسب و کارهای غیر دولتی در بخش های مختلف کشاورزی امری پرهیزناپذیر است. اسکندری و همکاران (۱۳۸۵) نیز در بررسی شان اظهار داشته اند که آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی تنها در کسب مهارت های تخصصی تأثیر داشته و نقش چندانی در کسب مهارت های کسب و کار و مهارت های کارآفرینانه نداشته است.

یافته های موحدی (۲۰۰۹)، گویای آنست که علت بی کاری دانش آموختگان کشاورزی، نداشتن مهارت های لازم برای اشتغال بوده و دانش آموختگان برای دست یابی به شغل مورد نظر باید دارای شایستگی های لازم باشند. در واقع کسب قابلیت ها و شایستگی ها است که فرد را قادر می سازند تا از یک دیدگاه اولیه به سمت اشتغال و راه اندازی یک بنگاه ارزش آفرین حرکت کند (راسموسن و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین، دانش آموختگان برای موفقیت و توانمندی شغلی خود در بازار آینده، نیازمند کاردانی و مهارت های عمومی آمادگی شغلی هستند (دلاهارپ و همکاران، ۲۰۰۰). آمادگی شغلی که مجموعه ای از مهارت ها، دانش، اطلاعات و ویژگی های شخصی و عمومی است که فرد را در انتخاب و حفظ شغلی که رضایت و موفقیت وی را تامین می کند، توانمند می سازد (پل و سوول، ۲۰۰۷؛ به نقل از علی بیگی و بارانی، ۱۳۹۱). شایستگی راه اندازی کسب و کار به ویژگی های رفتاری مربوط به دانش، مهارت، توانایی ها و نگرش های مورد نیاز برای عملکرد موفقیت آمیز در انجام کار اشاره دارد (نیکولا، ۲۰۰۳ و لالس و ماستیان، ۲۰۰۴). شایستگی را می توان به عنوان ترکیبی از مهارت ها، توانایی ها و دانش مورد نیاز برای اجرای وظیفه

پژوهش خالدی و اسکندری (۱۳۹۴)، نشان داد که ۱۲ شایستگی کارآفرینی، دارای بالاترین اولویت هستند که سه اولویت اول به ترتیب دانش فنی، تدوین طرح تجاری و برنامه ریزی بود. پورسعید و همکاران (۱۳۹۵)، متغیرهای سن، ساختاری و سیاسی، اقتصادی و نیز ویژگی‌های شخصیتی را به عنوان موثرترین عامل‌ها بر احتمال تصمیم‌گیری شغلی در دانش‌آموختگان معرفی می‌کنند.

رسول و همکاران (۲۰۱۳)، مهارت‌های ارتباطی، حل مساله، کار گروهی و قابلیت‌های شخصی؛ ژوهانیسون (۱۹۹۸)، ویژگی‌های فردی دانش‌آموختگان و مازراول و همکاران (۱۹۹۹)، متغیرهای جمعیت شناختی را در شکل‌گیری و ایجاد کسب و کار موثر می‌داند و زمانی و فروزانی (۱۳۸۵)، دانش و لیاقت‌های ضروری برای دانش‌آموختگان کشاورزی را به چهار دسته مهارت‌های فنی، شخصیتی (انسانی)، ادراکی و مهارت‌های تخصصی (حرفه‌ای)، تقسیم می‌کند.

در زمینه‌ی بازدارنده‌های پیش روی اشتغال دانش‌آموختگان، حسینی و همکاران (۱۳۸۹)، نبود یا کمبود حمایت دولتی از شغل‌های کشاورزی را مهم‌ترین بازدارنده برای اشتغال دانش‌آموختگان در بخش کشاورزی می‌دانند و عامل پشتیبانی، آموزشی، برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و عامل انسانی را به ترتیب دارای بیشترین نقش، به عنوان بازدارنده‌های پیش روی کارآفرینی دانش‌آموختگان در بخش کشاورزی معرفی می‌کنند.

اسکوف (۲۰۰۶)، در بررسی خود نشان داد که نبود عامل‌هایی همانند اعتبارات مالی، تجربه، مهارت، دانش و آشنایی با دنیای کسب و کار به عنوان عامل‌های اصلی در دلسرد شدن جوانان نسبت به تاسیس بنگاه می‌باشند. بر اساس تازه‌ترین گزارش بانک مرکزی از میان دانش‌آموختگان دانشگاهی، نرخ بیکاری در بین دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی به دلیل نبود تناسب شدید بین پذیرش دانشجو و بازار کار دارای بالاترین میزان می‌باشد. این در حالی است که ساختار نیروی انسانی بخش کشاورزی بسیار نامناسب و غیر تخصصی بوده و تنها شش درصد از شاغلان این بخش دارای تحصیلات دانشگاهی هستند (زمانی‌علایی و امیدی نجف‌آبادی، ۱۳۹۳).

در استان مازندران از جمعیت دارای تحصیلات

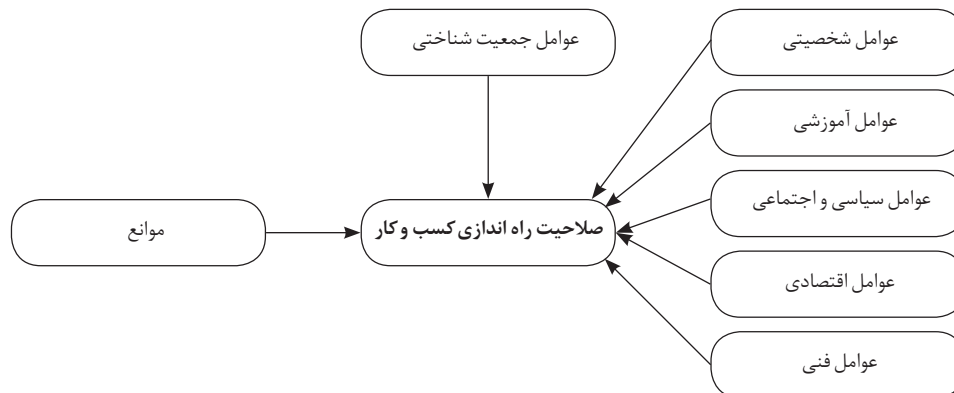
های ویژه برشمرد که با تلفیقی از دانش نظری و تجربه‌های علمی حاصل می‌شود، اما یکی از چالش‌های آموزش عالی را باید در مشخص کردن شایستگی‌های کلیدی مورد نیاز برای یادگیری و انجام وظایف دانست که برای این منظور نیاز به ایجاد فرهنگ یادگیری جدیدی می‌باشد (نیوتون، ۲۰۰۹).

اسدی و همکاران (۱۳۸۲)، شایستگی‌های مورد نیاز مروجان در حیطه امور دام را شایستگی در هر یک از بخش‌های فنی-حرفه‌ای، آموزشگری، فردی-اجتماعی، ارتباطی-ترویجی، مدیریتی، پژوهشگری و زراعی، شریفی و همکاران (۱۳۸۹)، عامل‌های موثر بر شایستگی‌های کارشناسان ترویج کشاورزی را داشتن روحیه‌ی کارگروهی، توانایی بیان و ارتباط کلامی موثر، اعتماد به نفس و شخصیت قوی، روحیه‌ی یادگیری مستمر و آشنایی با فرهنگ و جامعه‌ی محلی و احمدپور و همکاران (۱۳۹۴) نیز عامل‌های پژوهشگری، فنی-تخصصی، آموزشگری، مدیریتی، شخصیتی، ارتباطی و فناوری‌های محلی را به عنوان شایستگی حرفه‌ای مورد نیاز این کارشناسان معرفی کردند.

جلالی (۱۳۸۲)، شایستگی‌ها و مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموختگان برای اشتغال غیر دولتی را شامل، برخورداری از مهارت عملی و توانایی انجام کار، برخورداری از تخصص و توان علمی، توانایی تجزیه و تحلیل مسائل اقتصادی کشاورزی، توانایی مدیریت و سازماندهی، ویژگی‌های شخصیتی مانند خودباوری، اعتماد به نفس، علاقمندی و آمادگی جسمانی و داشتن سرمایه می‌داند. حسینی نیا و همکاران (۱۳۹۵)، برای بررسی مهارت‌های راه‌اندازی کسب و کار؛ مهارت در بازاریابی، شناسایی فرصت، خلاقیت و نوآوری، امکان‌سنجی، برنامه‌ریزی، تدوین و اجرای طرح کسب و کار را مورد بررسی قرار دادند. یعقوبی‌فرانی و همکاران (۱۳۹۲)، نیز شایستگی‌های مورد نیاز اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی در بخش تعاون را در سه مرحله پیش از تاسیس، تاسیس و راه‌اندازی بررسی و میزان بهره‌مندی دانش‌آموختگان را در هر سه مرحله در حد متوسط ارزیابی کردند و اقدام‌های آموزش عالی در تربیت دانش‌آموختگان دارای مهارت و شایستگی مورد نیاز برای ورود به بازار کار، را ضعیف ارزیابی کردند.

(سالنامه آماری استان مازندران، ۱۳۹۳).  
با توجه به اهمیت موضوع و بر پایه ی بررسی های صورت گرفته و به منظور شناسایی وضعیت شایستگی راه اندازی کسب و کار در دانش آموختگان رشته های کشاورزی و تحلیل عامل های مؤثر بر آن، چارچوب نظری تحقیق برابر با نگاره ۱ تدوین و مورد بررسی قرار گرفت.

دانشگاهی، ۲۵/۱ درصد از آنان شاغل و ۵۷/۳ درصد نیز بیکار می باشند. از سوی دیگر سهم اشتغال در بخش های عمده فعالیت های اقتصادی، بیانگر سهم پایین بخش کشاورزی در اشتغال با وجود وسعت و نقش کشاورزی در استان می باشد، به صورتی که سهم اشتغال در بخش کشاورزی ۱۹/۲ درصد، بخش صنعت ۳۲/۳ و بخش خدمات ۴۸/۵ می باشد



نگاره ۱- عامل های مؤثر بر شایستگی های دانش آموختگان کشاورزی برای راه اندازی کسب و کار

گویه) و عامل آموزشی (۱۵ گویه) و در بخش سوم و چهارم به ترتیب؛ شایستگی راه اندازی کسب و کار (۹ گویه) و پس از آن بازدارنده های پیش روی (۸ گویه)، در قالب طیف پنج درجه ای لیکرت تدوین شد. به منظور تعیین روایی پرسشنامه، از نقطه نظرها و پیشنهادهای اعضای هیات علمی، محققان و کارشناسان فعال در حوزه کارآفرینی استفاده شد. برای سنجیدن اعتبار پرسشنامه های تهیه شده، به وسیله پیش آزمون ۳۰ نسخه تکمیل شد که پایایی کل پرسشنامه های تکمیل شده با استفاده از روش تتای ترتیبی با استفاده از نرم افزار R تعیین شد ( $\theta = 0.912$ ) که گویای اعتبار مناسب پرسشنامه بوده است.

پس از گردآوری و دسته بندی داده ها به منظور تجزیه و تحلیل داده های تحقیق با استفاده از نرم افزار SPSS-20 از آمار توصیفی و آمار استنباطی از جمله تحلیل رگرسیون ترتیبی استفاده شد.

#### یافته ها

کمی بیش از ۵۷ درصد از مشارکت کنندگان در تحقیق را مردان تشکیل داده اند. بالاترین مشارکت در گروه سنی بین

#### روش شناسی

این تحقیق از نوع علی - ارتباطی و به لحاظ هدف کاربردی می باشد. جامعه ی آماری، شامل کلیه دانش آموختگان بخش کشاورزی استان مازندران در سال های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۵ می باشند که بر اساس اطلاعات سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی این استان، شمار آنان ۲۵۵۰ تن است. از این رو، برابر فرمول کوکران و با افزایش شمار نمونه ها به منظور بهبود نتایج، ۳۶۴ دانش آموخته به شیوه نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند.

در این تحقیق برای گردآوری داده ها و به منظور آشنایی بیشتر با پیشینه ی موضوع و

دست یابی به تحقیقات انجام شده از روش کتابخانه ای (اسنادی) و برای دریافت داده های مورد نیاز تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته و به روش میدانی بهره گرفته شده است. پرسشنامه شامل چهار بخش بود. بخش اول، ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان، بخش دوم، عامل های مؤثر در تقویت شایستگی کسب و کار کشاورزی شامل: عامل اقتصادی (۱۰ گویه)، عامل شخصیتی (۱۳ گویه)، عامل سیاسی و اجتماعی (۶ گویه)، عامل فنی (۸

بازار رقابتی؛ در عامل فنی: آشنایی با نیاز اصلی بازار و نیاز مشتریان، آشنایی با فنون معرفی و تبلیغات محصولات یا خدمات و آشنایی با راه‌های توزیع؛ در عامل شخصیتی: داشتن اعتماد به نفس، عملگرایی و نیاز به موفقیت؛ در عامل سیاسی و اجتماعی: آسانگری قوانین راه‌اندازی کسب و کار، سیاست‌های حمایتی دولت و دوام و ثبات مدیریتی در کشور؛ و در عامل آموزشی: آرایه مشاوره و راهنمایی فنی و کارشناسی به افراد، دسترسی به رایانه و اینترنت و همچنین وجود مرکزها رشد کارآفرینی برای راهنمایی و حمایت در صدر اولویت‌های موثر بر شایستگی راه‌اندازی کسب و کار از دیدگاه پاسخگویان قرار داشته است (جدول ۱).

۳۰-۲۵ سال (۸۱/۳۷ درصد) بود که نشان دهنده‌ی جوان بودن نمونه‌ها است که به‌طور طبیعی در انتظار راه‌اندازی و یا اشتغال در کسب و کار می‌باشند. نزدیک به ۷۴ درصد از پاسخگویان ساکن شهر، ۶۷ درصد آنها مجرد و حدود ۷۴ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۲۱ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و مابقی دارای مدرک دکتری می‌باشند. همچنین، حدود ۶۲ درصد این افراد بدون تجربه راه‌اندازی کسب و کار بوده و نزدیک به ۵۶ درصد آنان نیز در هیچ دوره آموزشی کارآفرینی شرکت نکرده‌اند. رتبه بندی عامل‌های موثر در شایستگی راه‌اندازی کسب و کار نشان داد که در عامل اقتصادی: آگاهی از وضعیت اقتصادی بازار، پشتوانه مالی خانوادگی و وجود

### جدول ۱- رتبه بندی گویه‌های عامل‌های موثر در راه‌اندازی کسب و کار

رتبه	درصد ضریب تغییرات	انحراف معیار	میلگین	گویه	عامل
۱	۲۵	۰/۸۵	۳/۴۰	آشنایی با نیاز اصلی بازار و شناسایی نیاز مشتریان	عامل فنی
۲	۲۵/۴۳	۰/۸۸	۳/۴۶	آشنایی با فنون معرفی و تبلیغات محصولات یا خدمات	
۳	۲۵/۸۵	۰/۹۱	۳/۵۲	آشنایی با راه‌های توزیع	
۴	۲۶/۰۸	۰/۹۰	۳/۴۵	آشنایی با نحوه قیمت‌گذاری محصول یا خدمت	
۵	۲۸/۴۴	۰/۹۹	۳/۴۸	آشنایی با راهبردهای فروش	
۶	۲۸/۴۹	۱/۰۴	۳/۶۵	آشنایی با محاسبه هزینه راه‌اندازی کسب و کار	
۷	۲۸/۷۲	۱/۰۴	۳/۶۲	آشنایی با اندازه‌گیری بازار هدف	
۸	۲۸/۹۳	۱/۰۳	۳/۵۶	آشنایی با مراحل دریافت مجوز راه‌اندازی کسب و کار	
۱	۲۴/۴۴	۱	۴/۰۹	آسانگری قوانین راه‌اندازی کسب و کار	عامل سیاسی و اجتماعی
۲	۲۵/۸۶	۱/۰۵	۴/۰۶	سیاست‌های حمایتی دولت	
۳	۲۶/۳۰	۱/۰۶	۴/۰۳	دوام و ثبات مدیریتی در کشور	
۴	۲۶/۶۳	۱/۰۶	۳/۹۸	حمایت اجتماعی از فعالیت جوانان	
۵	۲۷/۱۸	۱/۰۹	۴/۰۱	موقعیت اجتماعی بخش کشاورزی	
۶	۲۸/۱۷	۱/۱۱	۳/۹۴	عضویت در نهاد‌های اجتماعی	
۱	۲۶/۵۷	۱/۱۰	۴/۱۴	آگاهی از وضعیت اقتصادی بازار	عامل اقتصادی
۲	۲۷/۲۲	۱/۱۰	۴/۰۴	پشتوانه مالی خانوادگی	
۳	۲۸/۷۵	۱/۱۵	۴	وجود بازار رقابتی	
۴	۳۰/۰۴	۱/۲۲	۴/۰۶	حمایت‌های مالی	
۵	۳۰/۵۵	۱/۲۱	۳/۹۶	قوانین شفاف اقتصادی و مالیاتی	
۶	۳۳/۹۳	۱/۳۲	۳/۸۹	ثبات و امنیت شغلی	
۷	۳۴/۰۹	۱/۳۵	۳/۹۶	رضایت از درآمد حاصل از کار	
۸	۳۴/۶۰	۱/۳۶	۳/۹۳	تخصیص وام‌های کم بهره	
۹	۳۶/۴۵	۱/۴۰	۳/۸۴	استقلال مالی	
۱۰	۳۷/۲۶	۱/۳۹	۳/۷۳	دسترسی به سرمایه و اعتبارات	
۱	۲۲/۳۰	۰/۹۵	۴/۲۶	داشتن اعتماد به نفس	عامل شخصیتی
۲	۲۳/۹۴	۱/۰۲	۴/۲۶	عملگرایی	
۳	۲۴	۱/۰۲	۴/۲۵	نیاز به موفقیت	
۴	۲۴/۱۲	۱/۰۳	۴/۲۷	داشتن انگیزه پیشرفت	
۵	۲۴/۳۹	۱/۰۱	۴/۱۴	توان کنترل درونی	
۶	۲۴/۶۹	۱/۰۲	۴/۱۳	داشتن خلاقیت (تفکر خلاق)	
۷	۲۵/۹۷	۱/۰۷	۴/۱۲	علاقه به نوآوری	
۸	۲۶/۷۸	۱/۰۹	۴/۰۷	توان شناسایی فرصت‌ها	

## ادامه جدول ۱

رتبه	درصد ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه
۹	۲۷/۰۶	۱/۰۵	۳/۸۸	انتقاد پذیری توسط شما
۱۰	۲۷/۷۲	۱/۱۲	۴/۰۴	خطر پذیری (ریسک پذیری)
۱۱	۲۷/۹۱	۱/۱۰	۳/۹۴	هدف جویی (آینده نگری)
۱۲	۲۹/۲۷	۱/۱۳	۳/۸۶	تحمل شکست و اراده برای آغاز دوباره
۱۳	۳۱/۰۸	۱/۱۵	۳/۷۰	رویاپردازی
۱	۲۵/۸۶	۱/۰۵	۴/۰۶	مشاوره و راهنمایی فنی و کارشناسی به افراد در ارتباط با کار آفرینی
۲	۲۵/۹۲	۱/۰۵	۴/۰۵	دسترسی به رایانه و اینترنت
۳	۲۶/۰۸	۱/۰۲	۳/۹۱	وجود مراکزها رشد کار آفرینی برای راهنمایی و حمایت
۴	۲۶/۱۴	۱/۰۳	۳/۹۴	برگزاری کارگاه های آموزش مهارت کار آفرینی
۵	۲۶/۳۶	۱/۰۶	۴/۰۲	توانمندی افراد در به کارگیری فناوری های اطلاعاتی (رایانه و ...)
۶	۲۶/۴۱	۱/۰۳	۳/۹۰	تشکیل گروه های تحقیقاتی جهت پژوهش های کار آفرینی
۷	۲۶/۷۱	۱/۰۵	۳/۹۳	وجود مجله های علمی در زمینه کار آفرینی
۸	۲۶/۸۷	۱/۰۴	۳/۸۷	تربیت مدرسان و استادان آموزش های کار آفرینی
۹	۲۷/۰۸	۱/۰۷	۳/۹۵	برگزاری نمایشگاه و سمینار های تخصصی کار آفرینی
۱۰	۲۷/۱۷	۱/۰۶	۳/۹۰	وجود پایگاه اطلاع رسانی اینترنتی برای معرفی باکار آفرینان برتر
۱۱	۲۷/۴۳	۱/۰۷	۳/۹۰	استفاده از روش آموزش از راه دور (اینترنت) برای کار آفرینی
۱۲	۲۷/۴۵	۱/۰۹	۳/۹۷	برگزاری دوره های (کلاس) آموزشی
۱۳	۲۷/۵۰	۱/۰۷	۳/۸۹	تدوین کتب آموزشی در زمینه کار آفرینی
۱۴	۲۸/۳۵	۱/۱۰	۳/۸۸	برگزاری جلسه باکار آفرینان موفق و بیان مشکلات آنان
۱۵	۲۸/۶۸	۱/۱۱	۳/۸۷	شناسایی کار آفرینان موفق و دعوت برای سخنرانی

از تولید و همچنین نداشتن مهارت لازم در صدر بازدارنده های پیش روی راه اندازی کسب و کار از دیدگاه پاسخگویان قرار داشته است.

به منظور اولویت بندی بازدارنده های پیش روی راه اندازی کسب و کار از ۸ گویه و در قالب طیف لیکرت ۵ گزینه ای استفاده شد. همان گونه که جدول ۲ نشان می دهد؛ نبود فضای رقابتی سالم، نبود زمینه های حمایت

## جدول ۲- رتبه بندی بازدارنده های راه اندازی کسب و کار

رتبه	درصد ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه
۱	۳۸/۴۴	۱/۳۸	۳/۵۹	نبود فضای رقابتی سالم
۲	۳۸/۸۴	۱/۳۴	۳/۴۵	نبود حمایت از تولید
۳	۳۹/۰۵	۱/۳۲	۳/۳۸	نداشتن مهارت لازم
۴	۴۰	۱/۳۶	۳/۴۰	نبود ثبات سیاسی
۵	۴۰/۱۷	۱/۳۵	۳/۳۶	نبود امکان پیش بینی بازار
۶	۴۱/۰۸	۱/۳۶	۳/۳۱	آموزه های ناموفق دیگر صاحبان کسب و کار
۷	۴۱/۳۴	۱/۴۱	۳/۴۱	دسترسی نداشتن به منابع و سرمایه
۸	۴۱/۶۴	۱/۴۲	۳/۴۱	سطح درآمد پایین

مقیاس: ۱=خیلی کم تا ۵=خیلی زیاد

آوردن سرمایه ی مالی در صدر مولفه های شایستگی راه اندازی کسب و کار از دیدگاه پاسخگویان قرار داشته است.

نتایج به دست آمده از رتبه بندی مولفه های شایستگی راه اندازی کسب و کار در جدول ۳ نشان می دهد که توانایی بازاریابی و برقراری ارتباطات و همچنین توانایی به دست

## جدول ۳- رتبه بندی مولفه های شایستگی راه اندازی کسب و کار

رتبه	درصد ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	گویه
۱	۳۰/۱۱	۱/۲۸	۴/۲۵	توانایی بازاریابی و برقراری ارتباطات
۲	۳۰/۷۵	۱/۳۵	۴/۳۹	توانایی به دست آوردن سرمایه مالی
۳	۳۱	۱/۳۳	۴/۲۹	مدیریت مالی
۴	۳۱/۸۰	۱/۳۲	۴/۱۵	توانایی تولید محصولات یا ارائه خدمات
۵	۳۱/۹۰	۱/۳۴	۴/۲۰	توانایی تصمیم گیری مناسب و به هنگام
۶	۳۲/۵۴	۱/۳۷	۴/۲۱	مدیریت و رشد گروه یا کارکنان
۷	۳۴/۶۱	۱/۳۵	۳/۹۰	توانایی شناسایی و ارزیابی فرصت های بازار
۸	۴۳/۸۸	۱/۲۲	۲/۷۸	آشنایی با قوانین و مقررات ایجاد کسب و کار
۹	۴۷/۸۵	۱/۳۴	۲/۸۰	توانایی ارزیابی کسب و کار

حد زیاد و خیلی زیاد می باشند. برای پی بردن به رابطه بین دو یا چند متغیری که هم زمان اندازه گیری شده اند، تحلیل همبستگی مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به شاخص ها و با توجه به نوع و ماهیت مقیاس اندازه گیری متغیرهای مورد بررسی، برای بررسی رابطه بین متغیرها از تحلیل همبستگی اسپیرمن استفاده شده است که نتیجه آن در جدول ۵ ارائه شده است. یافته ها گویای آن بود که بین سن، جنس، عامل های اقتصادی، شخصیتی، سیاسی و اجتماعی، فنی و همچنین آموزشی و شایستگی راه اندازی کسب و کار رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد.

## جدول ۵- خلاصه همبستگی متغیرهای منتخب با شایستگی راه اندازی کسب و کار

متغیر	r	P
سن	-۰/۱۶۷	۰/۰۰۷
اقتصادی	۰/۲۵۰	۰/۰۰۰
شخصیتی	۰/۳۷۳	۰/۰۰۰
سیاسی و اجتماعی	۰/۳۷۶	۰/۰۰۰
آموزشی	۰/۴۲۹	۰/۰۰۰
بازدارنده ها	-۰/۰۲۲	۰/۷۲۷
فنی	۰/۱۷۱	۰/۰۰۵

به منظور روشن گری نقش متغیرهای اسمی در شایستگی راه اندازی کسب و کار از آزمون من وایت نی استفاده شد. با توجه به جدول ۶ و سطح معنی داری آزمون

به منظور سطح بندی شایستگی راه اندازی کسب و کار در آغاز، نمره ی پاسخ های داده شده به ۹ گویه مربوط به این بخش، با هم جمع شدند و آن گاه با استفاده از روش فاصله انحراف معیار از میانگین (ISDM) میزان شایستگی راه اندازی کسب و کار در چهار سطح؛ خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد، به روش زیر تقسیم بندی شدند.

خیلی کم:  $A < \text{Mean} - \text{sd}$

کم:  $\text{Mean} - \text{sd} < B < \text{Mean}$

زیاد:  $\text{Mean} < C < \text{Mean} + \text{sd}$

خیلی زیاد:  $\text{Mean} + \text{sd} < D$

## جدول ۴- پراکنش دانش آموختگان بر پایه سطح شایستگی راه اندازی کسب و کار

سطح	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی انباشته
خیلی کم	۷۷	۲۱/۱۵۳	۲۱/۱۵۳
کم	۷۳	۲۰/۰۵۵	۴۱/۲۰۸
زیاد	۱۳۰	۳۵/۷۱۴	۷۶/۹۲۲
خیلی زیاد	۸۴	۲۳/۰۷۷	۱۰۰
جمع	۳۶۴	۱۰۰	

همان گونه که در جدول ۴ مشاهده می شود، شایستگی برای راه اندازی کسب و کار نزدیک به ۲۱/۱۵ درصد پاسخگویان در سطح خیلی کم، نزدیک به ۲۰/۰۵ درصد در سطح کم، ۳۵/۷۱ درصد در سطح زیاد و ۲۳/۰۷ درصد در سطح خیلی زیاد می باشد. در واقع، کمی بیش از ۵۸ درصد از دانش آموختگان دارای سطح شایستگی راه اندازی کسب و کار در

می توان پذیرفت که تنها متغیر جنس در شایستگی راه اندازی کسب و کار موثر بوده و با توجه به میانگین رتبه ای، دانش آموختگان دختر از شایستگی مناسب تری در راه اندازی کسب و کار برخوردار می باشند.

#### جدول ۶- تاثیر ویژگی های دانش آموختگان کشاورزی بر شایستگی راه اندازی کسب و کار

گویه	متغیر	میانگین رتبه ای	U	Z	Sig
جنس	مرد	۱۱۱/۷۲	۵۳۹۳	۵/۵۱۶	۰/۰۰۰
	زن	۱۶۰/۲۷			
تجربه کسب و کار	با تجربه	۱۲۵/۰۵	۷۴۳۰	۱/۲۴۲	۰/۲۱۴
	بدون تجربه	۱۳۶/۲۰			
وضعیت تاهل	متاهل	۱۳۵/۷۱	۷۰۸۲	۱/۰۶	۰/۲۸۹
	مجرد	۱۲۵/۸۵			
محل سکونت	روستا	۱۲۹/۳۷	۶۱۱۸	۱/۲۰۶	۰/۲۲۸
	شهر	۱۴۱/۳۳			
مدرک تحصیلی	کارشناسی	۱۳۳/۳۸	۵۶۴۰	۰/۳۹۱	۰/۶۹۵
	کارشناسی ارشد	۱۲۹/۲۱			

برابر با جدول یاد شده دو آماره ی کای اسکویر پیرسون و کای اسکویر انحراف که ماهیت منفی دارند بیشتر از ۰/۰۵ به دست آمده است. در نتیجه مدل رگرسیونی مدل مناسبی بوده و متغیرهای مستقل به خوبی می توانند احتمال تغییرپذیری های متغیر وابسته را پیش بینی کنند.

#### جدول ۸- آزمون نکویی برازش مدل

مدل	2loglikelihood-	Chi-square	Sig
پیرسون	۶۴۷/۶۱۵	۷۱۰	۰/۹۵۴
انحراف	۴۶۴/۱۱۳	۷۱۰	۱

پس از بررسی برازش مدل، فراسنجه (پارامتر) های تاثیرگذار بر متغیر وابسته برآورد شدند. نتیجه نشان داد که از مجموع متغیرهای وارد شده سه متغیر مستقل جنس، شخصیت و آموزش با شایستگی راه اندازی کسب و کار رابطه مثبت دارند (جدول ۹). آماره ناگل کرک نیز بیانگر آن است که سه متغیر یاد شده توانایی تبیین ۶۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را دارند.

به منظور بررسی عامل های تاثیرگذار بر شایستگی راه اندازی کسب و کار، با توجه به ترتیبی بودن متغیر وابسته از رگرسیون ترتیبی استفاده شد. پیش از تعیین اثرگذاری های هر متغیر مستقل، در مرحله نخست، لازم بود مشخص شود که آیا مدل رگرسیون توانایی پیش بینی نتیجه را تقویت می کند؟ برای این کار از مقایسه یک مدل بدون هیچ گونه متغیر مستقل در مقابل مدل دارای همه ی متغیرهای مستقل استفاده می شود که گام صفر نام دارد.

داده های جدول ۷ نشان می دهند که با توجه به معنی داری آزمون کای اسکویر، مدل نهایی نسبت به مدل پایه بهبود یافته است و توانایی تبیین متغیرهای مدل را دارد.

#### جدول ۷- اطلاعات برازش مدل

مدل	2loglikelihood-	Chi-square	Sig
مدل پایه	۵۷۷/۳۹۵		
مدل نهایی	۴۷۶/۵۱۰	۱۰۰/۸۸۵	۰/۰۰۰

نتایج آزمون نیکویی برازش نیز در جدول ۸ آمده است.

#### جدول ۹- برآورد فراسنجه های تاثیرگذار بر شایستگی راه اندازی کسب و کار

متغیر	Estimate	SD	Wald	Sig
جنس	۰/۷۲۳	۰/۲۱۰	۱۱/۸۶۷	۰/۰۰۱
شخصیتی	۰/۴۰۵	۰/۱۴۶	۷/۷۰۶	۰/۰۰۶
آموزشی	۰/۵۹۹	۰/۱۳۱	۲۰/۸۴۱	۰/۰۰۰



### بحث و نتیجه گیری

یکی از چالش های پیش روی دانش آموختگان به ویژه دانش آموختگان رشته های کشاورزی و منابع طبیعی نداشتن مهارت و شایستگی لازم برای راه اندازی کسب و کار می باشد. این امر باعث شده که موضوع کارآفرینی و توانمند سازی دانش آموختگان مورد توجه ویژه قرار گیرد و این پژوهش نیز با همین هدف و به منظور شناسایی و تحلیل عوامل های موثر در شایستگی راه اندازی کسب و کار توسط دانش آموختگان رشته های کشاورزی صورت گرفته است. چنان که یافته های پژوهش نشان می دهند، شایستگی راه اندازی کسب و کار در دانش آموختگان مورد بررسی در بیشتر دانش آموختگان کشاورزی مازندران در حد مطلوب می باشد البته، این نتیجه با یافته های علی بیگی و بارانی (۱۳۹۱) و یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲)، مغایرت دارد. همانگونه که ضرورت حمایت دولت از تولید در بخش کشاورزی نیز به عنوان بازدارنده اولویت دار شناسایی شد، بدون شک، کسب و کارهایی که توسط دانش آموختگان تشکیل می شوند، در آغاز فعالیت دارای بنیه و پشتیبانی مناسبی نمی باشند و در نتیجه بدون داشتن پشتیبانی لازم از سوی دولت نمی توانند به حیات خود ادامه دهند (رسولی و احمدپور، ۱۳۹۰). در نتیجه این مطلوبیت و مغایرت، ممکن است ناشی از تحولات صورت گرفته در سال های اخیر در کشور و آمادگی و بهبود فضای عمومی کسب و کار همچنین سیاست های کلان تشویق به خوداشتغالی و کارآفرینی بوده باشد که به نوبه خود نیاز به تحقیق دارد.

مطلوبیت شایستگی راه اندازی کسب و کار در دانش آموختگان رشته های کشاورزی نشان از آمادگی و توانمندی جامعه مورد بررسی در راه اندازی و ورود به عرصه کسب و کار دارد که این امر مسئولیت مسئولان اجرایی کشور را در هدایت و فراهم ساختن بیش از پیش بسترهای ورود دانش آموختگان به عرصه کسب و کار به ویژه تلاش در جهت ایجاد فضای رقابتی سالم و حمایت از تولید به عنوان بازدارنده های اولویت دار مورد نظر پاسخگویان در راه اندازی کسب و کار، دو چندان می کند. اما همانگونه که دیگر یافته ها نشان می دهند جنس، ویژگی شخصیتی و عامل آموزشی به عنوان عامل های اصلی و تاثیرگذار بر شایستگی راه اندازی کسب و کار شناخته شده اند.

در واقع، نقش و تاثیر عامل شخصیتی در شایستگی راه اندازی کسب و کار و ایجاد توانمندی و قابلیت کارآفرینی با نتایج رسولی و احمدپور (۱۳۹۰)، پورسعید و همکاران (۱۳۹۵)، رسول و همکاران (۲۰۱۳) و احمدپور و همکاران (۱۳۹۴)، هم خوانی دارد. همان گونه که یافته ها نشان می دهند، داشتن اعتماد به نفس به عنوان موثرترین متغیر شخصیتی در راه اندازی کسب و کار شناسایی گردید، کما اینکه خسروی پور و سلیمانپور (۱۳۸۹)، نیز ویژگی اعتماد به نفس را به عنوان موثرترین متغیر در اشتغال دانش آموختگان دختر معرفی کردند. این امر ضرورت توجه به برنامه های منتهی به بهبود ویژگی اعتماد به نفس و خودباوری در جوانان و دانش آموختگان دانشگاهی، در طول تحصیل و پیش از فراغت از تحصیل در کنار دیگر برنامه های آموزشی و فوق برنامه را بیش از پیش آشکار می سازد.

تاثیر و نقش عامل آموزشی نیز با یافته های موحدی و همکاران (۱۳۸۹)، رسولی و احمدپور (۱۳۹۰)، احمدپور و همکاران (۱۳۹۴) و همچنین نتایج هتاب (۲۰۱۴) مبنی بر تاثیر آموزش بر مطلوبیت درک شده فعالیت های کارآفرینی همخوانی دارد. در حقیقت با توجه به اشباع روزافزون بازار کار در پذیرش نیروهای متخصص ص دانش آموخته در رشته های کشاورزی (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴)، اصلی ترین عاملی که می تواند دانش آموختگان را برای ورود به بازار کار آماده کند، آموزش و به ویژه آموزش عالی می باشد که به یقین وجود گروه بزرگ دانش آموخته بی کار، بی ارتباط با نظام آموزشی نبوده و بایستی نوع و محتوای آموزش مورد بازبینی قرار گرفته تا در ورود به بازار کار از توانمندی بالاتری برخوردار باشند (رسولی و احمدپور، ۱۳۹۰).

بنا بر گزارش نهایی کمیسیون اروپا در سال ۲۰۰۸ در زمینه کارآفرینی در آموزش عالی، هدف اصلی در نظام آموزش عالی باید توسعه استعدادها و افکار کارآفرینانه باشد، بر این پایه باید به گسترش روحیه کارآفرینی، آموزش موارد مورد نیاز برای راه اندازی کسب و کار و مدیریت رشد آن و توسعه قابلیت کارآفرینی از راه شناسایی و بهره برداری از فرصت های کسب و کار پرداخت (آنونوموس، ۲۰۰۸ به نقل از حسینی و همکاران، ۱۳۸۹). از سوی دیگر با توجه به اکتسابی بودن بخشی از قابلیت ها و ویژگی های کارآفرینانه، توجه هر چه بیشتر به آموزش کارآفرینی هم در آموزش های دانشگاهی

های رشته های مختلف دانشگاهی، میزان تناسب محتوای درس ها با شغل و نیازهای بازار کار مد نظر قرار گیرد.

- ایجاد و تقویت مراکزها رشد، مراکزها کارآفرینی و در نهایت پارک های علم و فناوری به عنوان متولیان امر حمایت، هدایت کاربردی و همراهی مخاطبان در طول کسب و کار، به ویژه کسب و کارهای نوین و دانش بنیان، مورد توجه و حمایت بیشتری قرار گرفته و ضوابط اجرایی حمایت و هدایت مراجعان آن ها آسانگری شود.

- با بهره گیری از اندیشه و آموزه های صاحبان تجربه و کارآفرینان موفق در حوزه کشاورزی ضمن بهره مندی از مشاوره شغلی آنان و تقویت دانش فنی دانشجویان، زمینه بهبود ویژگی های شخصیتی به ویژه اعتماد به نفس در دانشجویان از همان بدو ورود و در ادامه، در طی دوران تحصیل در دانشجویان فراهم آید.

- سیاستگذاران و برنامه ریزان دولت با تدوین و تصویب برنامه های حمایتی خود ضمن تشویق و آسانگری فرآیند راه اندازی کسب و کار توسط دانش آموختگان به ویژه در بخش کشاورزی، زمینه های همکاری هر چه بیشتر وزارت خانه های جهاد کشاورزی و علوم، تحقیقات و فناوری، بانک کشاورزی و سازمان های مربوطه را در جهت کاهش بازدارنده ها و حمایت های عملی از راه اندازی و توسعه کسب و کارها پیش بینی و اجرایی کنند.

- با توجه به حضور بیش از پیش دختران در دانشگاه ها و همچنین آمادگی و گرایش آنان به راه اندازی کسب و کار و استقلال مالی، ضرورت دارد تا سیاستگذاران در برنامه های توسعه کشور ضمن هدایت و بهره گیری از این فرصت پیش آمده، تهدیدهای احتمالی عدم استقبال پسران از دانشگاه ها و در پی آن پیامدهای اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن را مد نظر قرار داده و برنامه های مسیر شغلی و هدایت آموزشی را مورد بازبینی قرار دهند و متناسب با شرایط پیش روی تدوین کنند.

و هم در آموزش های پس از دانشگاه و به صورت دوره های کوتاه مدت ضروری به نظر می رسند (رسولی و احمدپور، ۱۳۹۰). البته در این زمینه توانمندسازی مدرسان از لحاظ نظری و عملی به منظور انتقال بهتر محتوای آموزشی به فراگیران و تکیه بر یادگیری برپایه روش های تجربی (محمدی و روحانی، ۱۳۹۴) و فعال کردن مراکزهای رشد و کارآفرینی با هدف فراهم سازی محلی برای انتقال آموزه ها و نیز شناسایی استعدادها، علایق و شکوفایی فعالان بخش می تواند نقش سازنده ای در اشتغال آینده دانش آموختگان داشته باشد (محمدی و روحانی، ۱۳۹۴).

تاثیر جنس در شایستگی در راه اندازی کسب و کار، با یافته های بادسار و همکاران (۱۳۹۴)، هم سو نمی باشد. بدون تردید حضور گسترده دختران در دانشگاه ها و رشته های کشاورزی و انگیزه آنان در اشتغال و استقلال مالی می تواند در این امر موثر بوده باشد گرچه بررسی بروز این امر در غالب پژوهشی جداگانه می تواند دلایل را آشکارتر سازد. هر چند که وجود زنان تحصیل کرده و دارای شایستگی راه اندازی کسب و کار، خود به ترویج کسب و کار در خانواده و جامعه می افزاید لیکن ضروری است با توجه به نقش آتی پسران در اقتصاد خانواده، در این زمینه تدابیری برای حضور پررنگ تر پسران برای ورود به رشته های کشاورزی با توجه به ماهیت این رشته ها و همچنین تقویت مهارت ها و شایستگی های مورد نیاز آنان، به منظور پرهیز از بروز پیامدهای ناشی از این ناهماهنگی اندیشیده شود.

اینک با توجه به اهمیت نقش دولت در هدایت و پشتیبانی از دانش آموختگان (عباسی و قلی قورچیان، ۱۳۸۸) و همچنین اهمیت آموزش، و تمرکز ویژه دانشگاه ها در سراسر جهان بر آموزش های کارآفرینانه (دش پاند، ۲۰۱۴) و نتایج به دست آمده، پیشنهادهای زیر ارایه می شود:

- با توجه به نقش آموزش، در طراحی محتوای درس

## منبع ها

- آهو خوش، پ. و علی بیگی، ا. ح. (۱۳۹۶). عوامل های تاثیرگذار بر فرسودگی تحصیلی دانشجویان کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه رازی، فصلنامه پژوهش و مدیریت آموزش کشاورزی، دوره ۹، شماره ۴۰، ص ص ۴۴-۵۵.
- احمد پور، ا. قاسمی، ح. و علیخانی دادوکلائی، م. (۱۳۹۴). عوامل های موثر بر توسعه ی مهارت های کارآفرینی دانشجویان آموزشکده های کشاورزی، فصلنامه پژوهش و مدیریت آموزش کشاورزی، دوره ۷، شماره ۳۲، ص ص ۲۶-۴۰.
- احمدپور، الف.، نوری، م. و علیخانی دادوکلائی، م. (۱۳۹۴). واکاوی صلاحیت های حرفه ای مورد نیاز کارشناسان سطح عملیاتی ترویج کشاورزی در استان مازندران، فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی، جلد ۲، شماره ۲، ص ص ۲۰۱-۲۱۴.
- اسدی، ع. پیش بین، س. ا. سعدی، ح. و موسوی، س. س. (۱۳۸۲). صلاحیت های مورد نیاز مروجین امور دام، مجله علوم کشاورزی ایران، دوره ۳۴، شماره ۲، ص ص ۳۳۳-۳۴۳.
- اسکندری، ف. حسینی، م. و کلانتری، خ. (۱۳۸۵). عوامل مؤثر بر عملکرد کارآفرینانه دانش آموختگان آموزش عالی کشاورزی و منابع طبیعی ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۴، شماره ۵۳، ص ص ۱۰۷-۱۳۴.
- بادسار، م. صفا، ل. و فتحی، س. (۱۳۹۴). تاثیر عامل های فردی و زمینه ای بر گرایش دانشجویان کشاورزی دانشگاه زنجان نسبت به اشتغال در روستا، فصلنامه پژوهش و مدیریت آموزش کشاورزی، دوره ۷، شماره ۳۲، ص ص ۱۳۶-۱۲۳.
- پور سعید، ع. بابایی، ر. و اشراقی سامانی، ر. (۱۳۹۵). بررسی عوامل های تأثیرگذار بر تصمیم گیری شغلی دانش آموختگان کشاورزی دانشگاه های شهرستان ایلام، فصلنامه پژوهش و مدیریت آموزش کشاورزی، دوره ۸، شماره ۳۸، ص ص ۳۰-۳۹.
- جلالی، خ. (۱۳۸۲). ساماندهی اشتغال دانش آموختگان رشته های کشاورزی و منابع طبیعی، فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، سال ۲، شماره ۵، ص ص ۱۹-۲۳.
- حسینی نیا، غ. مقدس فریمانی، ش. و فلاح دوست، س. (۱۳۹۵). صلاحیت های مورد نیاز کارشناسان ترویج کشاورزی استان تهران در ترویج و آموزش کسب و کار کشاورزی هسته ای، فصل نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، دوره ۸، شماره ۳۶، ص ص ۱۷-۲۹.
- حسینی، م. فرج الحسینی، س. ج. و سلیمانپور، س. م. (۱۳۸۹). شناسایی و تحلیل موانع کارآفرینی در آموزش عالی کشاورزی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد استان تهران، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۴۱-۲، شماره ۳، ص ص ۳۵۹-۳۶۸.
- خالدی، خ. و اسکندری، ف. (۱۳۹۴). آموزش مدیریت کارآفرینی در دانشکده های کشاورزی، نامه آموزش عالی، سال ۸، شماره ۳۰، ص ص ۴۳-۶۰.
- خسروی پور، ب. و سلیمانپور، م. ر. (۱۳۸۹). تبیین نقش ویژگی های فردی موثر بر اشتغال دانش آموختگان دختر آموزش عالی (مطالعه موردی: دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی رامین - اهواز)، زن در توسعه و سیاست، دوره ۸، شماره ۴، ص ص ۲۰۳-۲۲۰.
- رسولی، ک. و احمد پور داریانی، م. (۱۳۹۰). ارزیابی عوامل های موثر بر توسعه کارآفرینی از دیدگاه دانش آموختگان کشاورزی دانشگاه های غرب ایران، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، دوره ۳، شماره ۱۶، ص ص ۷۸-۹۱.
- زلالی، ن. خسروی پور، ب. و زارع، ع. (۱۳۹۴). تنگناها و چالش های اشتغال دانش آموختگان کشاورزی از دیدگاه مدیران اجرایی، فصل نامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، دوره ۷، شماره ۳۳، ص ص ۷۳-۸۳.
- زمانی، غ. و فروزانی، م. (۱۳۸۵). روحیه کارآفرینی در دانشجویان کشاورزی دانشگاه شیراز، مجله علوم کشاورزی ایران، سال ۲، شماره ۱، ص ص ۱۰۷-۱۱۶.
- زمانی علایی، م. و امید نجف آبادی، م. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر نیت کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی، دانشگاه

آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، ۷ (۳)، ۴۳-۵۶.

سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان مازندران. (۱۳۹۳)، سالنامه آماری استان مازندران، قابل دسترسی از طریق: <http://www.mpo-mz.org>

شریفی، م. حسینی، س. م. ایروانی، ه. و شریف زاده، ا. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر صلاحیت تسهیلگری کارشناسان ترویج کشاورزی، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، سال ۴۱، شماره ۲، صص ۲۴۳-۲۵۵.

شفیعی، ف. و شعبانعلی فمی، ح. (۱۳۸۶). بررسی نگرش دانشجویان رشته های کشاورزی نسبت به اشتغال در بخش کشاورزی (مطالعه موردی: پردیس کشاورزی و منابع طبیعی تهران). نامه علوم اجتماعی، سال ۴، شماره ۳، صص ۱۹۲-۱۷۳.

عباسی، م. و قلی قورچیان، ن. (۱۳۸۸). شناسایی عامل ها مؤثر بر توسعه تعاونی های دانش آموختگان، فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، سال ۳، شماره ۲، صص ۱۷۰-۱۴۳.

علی بیگی، ا. ح. و بارانی، ش. (۱۳۹۱). بررسی صلاحیت های عمومی مورد نیاز دانش آموختگان کشاورزی از دیدگاه مدیران بخش کشاورزی دولتی و مهندسان کشاورزی عضو نظام مهندسی استان کرمانشاه، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲-۴۳، شماره ۱، صص ۱۱۱-۹۹.

فرخ زاده، م. ح. عطایی، ح. روحانی، ح. و فاضلی کاخکی، ف. (۱۳۸۹). بررسی وضعیت اشتغال دانش آموختگان دوره های علمی کاربردی مرکز آموزش عالی جهاد کشاورزی خراسان رضوی (در سال تحصیلی ۱۳۸۶). فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۱۲، صص ۲۰-۱۲.

قربانی پور، ح. زمانی، غ. م. و عزیزی خالخیلی، ط. (۱۳۹۰). مهارت های مورد نیاز برای موفقیت شغلی دانش آموختگان کشاورزی از دیدگاه اعضای هیات علمی، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، دوره ۳، شماره ۱۹، صص ۹۴-۸۳.

محمدی، ح. و روحانی، ح. (۱۳۹۴). کاربرد مدل پروبیت چندگانه در تحلیل عوامل مؤثر بر نوع اشتغال دانش آموختگان علمی کاربردی کشاورزی، اقتصاد و توسعه کشاورزی، دوره ۲۹، شماره ۲، صص ۱۲۵-۱۱۶.

موحدی، ر. اکبری، ر. یعقوبی فرانی، ا. و خداوردیان، م. (۱۳۸۹). راهکارهای بهبود وضعیت اشتغال دانش آموختگان رشته های کشاورزی (مطالعه موردی دانشگاه بوعلی سینا همدان)، مجله پژوهش های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ۳، شماره ۴، صص ۹۸-۸۵.

موحدی، ر. (۱۳۹۴). تحلیل شاخص های مرتبط با تشکیل و توسعه تعاونی های دانش آموختگان رشته های کشاورزی، تعاون و کشاورزی، سال ۴، شماره ۱۶، صص ۱۵۰-۱۳۱.

موسوی، س. س. علم بیگی، ا. و رضایی، ع. (۱۳۹۴). پیش بینی تمایل به راه اندازی یک کسب و کار کارآفرینانه در میان دانشجویان کشاورزی بر اساس ابعاد قابلیت اشتغال، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، دوره ۲-۴۶، شماره ۴، صص ۷۹۱-۷۸۳.

مهدوی، س. ح. و چرمچیان لنگرودی، م. (۱۳۹۶). عامل های مؤثر بر مهارت های کارآفرینی آموزشگران کشاورزی آموزشدهنده های فنی و کشاورزی ساری، فصلنامه پژوهش و مدیریت آموزش کشاورزی، دوره ۹، شماره ۴۰، صص ۹۵-۸۴.

یعقوبی فرانی، ا. رحمانی، ف. مهدی زاده، ح. و نادری مهدی، ک. (۱۳۹۲). صلاحیت های مورد نیاز دانش آموختگان کشاورزی استان ایلام برای اشتغال در بخش تعاون، تعاون و کشاورزی، سال ۲، شماره ۵، صص ۶۸-۴۷.

De La Harpe, B., Radloff, A., & Wyber, J. (2000). Quality and generic (professional) skills. Quality in Higher Education, 6(3), 231-243.

Deshpande, M. (2014). Barriers to entrepreneurship among management students: A case study of S.R.T.M. University, Nanded, India, Journal of Macro-Theme Review, 3 (2), 60- 70.

Hattab, W. H. (2014). Impact of Entrepreneurship Education on Entrepreneurial Intentions of University Students in Egypt. The Journal of Entrepreneurship. 23(1): 1-18.

Hejazi, Y., Hashemi, S. M., & Malek-Mohammadi, E. (2008). I. Iranian agricultural graduates and agri-business ventures. *American Eurasian Journal of Agricultural and Environmental Science*, 4(3), 311-317.

Johannisson, B. (1998). *Entrepreneurship as a collective phenomenon*. SIRE. Vaxjo (Sweden): Vaxjo University.

Liles, R.T., & Mustian, R. D. (2004). Core competencies: A systems approach for training and organizational development in extension. *The Journal of Agricultural Education and Extension*, 10(2), 77-82.

Mazzarol, T., Volery, T., Doss, N., & Thein, V (1999). Factors influencing small business start-ups: A comparison with previous research, *International journal of entrepreneurial behavior & research*, 5 (2): 48-63.

Movahedi, R. (2009). *Competencies needed by agricultural extension and education undergraduates for employment in labor market*. Berlin: Dessertation de Verlag.

Newton, S. (2009). Transformational Higher Education in the Built Environment. *Journal of Education in the Built Environment*, 4(1), 100-113.

Nikolaou, L. (2003). The development and validation of a measure of generic work competencies. *International Journal of Testing*, 3(4), 309-319.

Premand, P., Brodmann, S., Almeida, R., Grun, R., and Barouni, M. (2016). Entrepreneurship Education and Entry into Self-Employment Among University Graduates, *World Development*, 77: 311–327.

Rasmussen, E., Mosey, S. and Wright, M. (2011). The evolution of entrepreneurial competencies: A longitudinal study of university spin-off venture emergence. *Journal of Management Studies*, 48 (6), 1314-1345.

Rasul, M. S., Abd Rauf, R. A., Mansor, Z. N., Yasin, R. M. & Mahamod, Z. (2013). Graduate Employability for Manufacturing Industry. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 102, 242 – 250.

Schoof, U. (2006), "Stimulating Youth Entrepreneurship: Barriers and incentives to enterprise start-ups by young people", SEED Working Paper No. 76, International Labour Office, Geneva, Switzerland.

## **Factors Affecting Agricultural Graduates' Business Startup Competencies. Membering the Agricultural and Natural Resources Engineering Organization at Mazandaran Province**

**M. M. Mardanshahi**

PhD of Entrepreneurship, Center of Entrepreneurship, Sari Agricultural Sciences and Natural Resources University, Sari, Iran

### **Abstract**

Raising agricultural graduates' unemployment and their inability to startup business and entrepreneurship is a crucial problem in Iran. The purpose of this study was to analyzing factors affecting agricultural graduates' business startup competencies. The statistical population consisted of all agriculture and natural resources, graduats during 2013-2016 in Mazandaran Province (N= 2550), among them 364 were randomaly selected based on Cochran Formula. The research instrument used was a questionnaire. Its validity was confirmed by a panel of experts and also its reliability was estimated to be  $\theta = 0.912$  using ordinal theta coeficient. In order to analyze the data, SPSSwin20 was used. The correlation tests, mann-whitney U and ordinal regression were used for data analysis. The results showed that, approximately 59 as percent of respondents ranked their business startup competencies at high and very high level. Applying ordinal regression showed that, three variables including gender, education and character can estimate 67 percent of possibility of changing the dependent variable

**Index Terms:** Competencies, Business Startup, Agricultural Graduate, Unemployment.

**Corresponding Author: M. M. Mardanshahi**

**Email: Mehdy1352@yahoo.com**

**Received: 11/4/2017 ; Accepted: 4/9/2017**